



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۵ خرداد ۱۴۰۴

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - قلمرو حجیت خبر واحد - جهت چهارم - مطلب اول: مصادف با: ۲۸ ذی القعدة ۱۴۴۶

بررسی حجیت خبر واحد در امور اعتقادی - اقوال: ادله عدم حجیت - دلیل اول

جلسه: ۱۲۲

سال شانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

جهت چهارم

جهت چهارم از جهات مربوط به قلمرو حجیت خبر واحد، پیرامون حجیت اخبار آحاد در غیر احکام شرعی می باشد. به عبارت دیگر، در جهت چهارم بحث در این است که آیا حجیت خبر، مختص به احکام شرعی است یا غیر احکام شرعی را هم در بر می گیرد. این در واقع مربوط به مخبریه است.

اگر خاطرتان باشد، ما گفتیم این جهات چهارگانه هر کدام به یک حیثی از خبر مربوط می شود:

جهت اول مربوط به انواع خبر بود، به اعتبار مخبر.

جهت دوم مربوط به تعارض اخبار بود.

جهت سوم مربوط به اهمیت مخبریه و عدم اهمیت آن بود.

جهت چهارم مربوط به خود مخبریه است؛ یعنی آن مطلب و موضوعی که از آن خبر داده می شود.

تا اینجا ما در مورد سه جهت مرتبط با حجیت خبر بحث کردیم. لکن می خواهیم ببینیم اگر از غیر احکام شرعی هم اخبار بشود، آیا این خبر اعتبار دارد یا ندارد؟ وقتی می گوئیم غیر احکام شرعی، این چندین بعد را شامل می شود. لکن آنها که بیشتر ما با آن سروکار داریم، چند مطلب است:

مطلب اول: آیا اخباری که در رابطه با امور اعتقادی نقل شده اند، حجیت دارند یا ندارند؟ بسیاری از جوامع روایی ما مشتمل بر امور اعتقادی مانند مبدا و معاد، و نبوت و برخی از جزئیات مربوط به نبوت، یا امامت، یا معاد است. آیا این ها حجیت دارند یا ندارند؟

مطلب دوم: آیا اخباری که در ذیل آیات قرآن وارد شده و به عنوان روایات تفسیری شناخته می شوند، اینها حجیت دارند یا ندارند؟ روایاتی هم که در ذیل آیات وارد شده، چند دسته است. گاهی روایت در ذیل یک آیه فقهی وارد شده، گاهی روایت در ذیل قصص و داستان های قرآن وارد شده، گاهی روایت درباره مسائل مربوط به خلقت و آسمان و زمین وارد شده. به هر حال بحث در این است که آیا روایات تفسیری مطلقاً حجت هستند، یا برخی از آنها حجت هستند، یا هیچ کدام حجت نیستند؟

مطلب سوم: آیا روایات مربوط به امور تاریخی حجت‌اند یا خیر؟ امور تاریخی و وقایع، از جمله مسائلی است که در روایات به آنها پرداخته شده است. لذا بحث در این است که آیا روایات مشتمل بر قضایای تاریخی حجیت دارند یا ندارند؟

مطلب چهارم: مربوط به اخلاقیات است. آیا روایاتی که درباره فضایل و رذائل اخلاقی وارد شده‌اند، اعتبار دارند یا ندارند؟

مطلب پنجم: آیا اخبار آحاد نسبت به موضوعات خارجی حجیت دارند یا ندارند؟ موضوعات هم ممکن است بخشی از آن شامل بعضی از اموری باشد که اشاره شد اما بعضی خارج از آن‌هاست. اینکه مثلاً این اتفاق افتاد. آنها که می‌گویند خبرهای واحد فقط مربوط به احکام شرعی است، منظورشان این است که یا باید اخبار از حکم شرعی باشد، یا موضوع دارای اثر شرعی. در اینجا اختلافی نیست. اما آیا موضوعاتی که دارای اثر شرعی نیستند، اگر مخبر ثقه‌ای درباره آن‌ها خبر بدهد، خبرش حجیت دارد یا ندارد؟

بنابراین، در جهت چهارم، ابعاد مختلف می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد. بیان ذلک:

ما یک وقت به طور کلی این بحث را مطرح می‌کنیم که آیا خبر واحد در غیر احکام شرعیه حجیت دارد یا ندارد. اینجا به صورت کلی و عمومی و یکجا همه ابعادی که مورد اشاره قرار گرفت، مورد بررسی قرار می‌گیرد، برخی از این منظر درباره قلمرو حجیت خبر واحد بحث کردند و دیگر یک به یک وارد ابعادی که گفتیم نشدند. برخی هم وارد این ابعاد شدند، ولی نه همه ابعاد. مثلاً درباره حجیت روایات تفسیری بحث کردند، یا درباره حجیت روایات اعتقادی بحث کردند و به ابعاد دیگر پرداختند.

پس نحوه مواجهه ما با بحث در جهت چهارم هم می‌تواند به صورت کلی باشد. به این ترتیب که بررسی کنیم که اخبار آحاد در غیر احکام شرعی و موضوعات دارای اثر شرعی حجیت دارند یا ندارند. یک وقت می‌توانیم علاوه بر این، یا اساساً بدون اینکه به صورت کلی بحث کنیم، یکایک این ابعاد را مورد بررسی قرار دهیم.

علت اینکه این دو منظر و زاویه برای بحث پیدا شده، این است که روش اثبات یا نفی حجیت خبر در غیر احکام شرعیه این است که ادله حجیت به صورت کلی خبر مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما یکایک اگر بخواهیم این‌ها را بررسی کنیم، باید بگویم مقتضای ادله حجیت خبر واحد چیست؟ سیره عقلاء را بررسی کنیم، روایات را بررسی کنیم، آیات را بررسی کنیم. آن وقت نتیجه بگیریم که آیا مقتضای ادله مثلاً حجیت خبر در امور اعتقادی است یا عدم حجیت. لذا جا برای عدم ورود به ابعاد مختلف مربوط به جهت چهارم به صورت استقلالی هست. چون اگر بخواهد از هر دو منظر بحث بشود، اغلب بحث‌ها تکراری می‌شود.

ما با توجه به اینکه بخشی از ادله مشترکاً در همه این ابعاد تکرار می‌شود و بخشی مختص به همان بعد مورد نظر است، به نظر ما این روش آمد که این بهتر است که ما این ابعادی را که گفتیم به صورت فشرده و خلاصه مستقلاً درباره‌اش بحث کنیم. یعنی این که آیا ادله حجیت خبر واحد مثلاً شامل امور اعتقادی می‌شود یا نه، شامل امور تاریخی می‌شود یا نه، شامل روایات تفسیری می‌شود یا نه، پنج بعد دارد که دو سه بعدش البته مهم‌تر است و بیشتر درباره‌اش بحث شده. یکی اینکه آیا اخبار مرتبط با امور اعتقادی حجت است یا نه؟ اخبار تفسیری حجت است یا نه؟ اخبار مربوط به موضوعات خارجی حجت است یا نه؟ لذا این‌ها را انشاءالله خیلی سریع درباره‌اش بحث می‌کنیم.

مطلب اول: بررسی حجیت خبر واحد در امور اعتقادی

اولین بعد یا اولین مطلب در جهت چهارم پیرامون حجیت خبر واحد در مسائل اعتقادی است. همانطور که عرض کردم، روایات فراوانی درباره اصول اعتقادی و فروع اعتقادی داریم. چه اصول دینی و چه اصول مذهب، معاد، توحید، نبوت، امامت، عدل و جزئیات اینها.

اقوال

درباره حجیت روایات اعتقادی سه قول وجود دارد:

قول اول: حجیت مطلقاً

قول اول حجیت مطلق است. منظور از حجیت مطلقاً با توجه به تفصیلی که در قول سوم می‌گوییم، روشن می‌شود. یعنی روایاتی که درباره اصل مبدأ و معاد است، و روایاتی که درباره جزئیات معاد است. مثلاً انسان باید به معاد، به عنوان یک اصل اعتقادی علم پیدا کند که در برخی روایات بیان شده. اما جزئیات معاد هم مثل پل صراط، سوال قبر، عالم برزخ، حشر، بعث، در روایات بیان شده‌اند. برخی معتقدند روایات اعتقادی، چه آنها که مربوط به اصول است و چه آنها که مربوط به جزئیات اینهاست، همه حجیت هستند. شاید بتوانیم بگوییم بیشتر اخباریین به این قول تمایل دارند.^۱

البته این منحصر به اخباری‌ها هم نیست. غیر از اخباریین هم این نظر را قبول دارند. شیخ انصاری در کتاب رسائل پیرامون اعتبار ظن در اصول دین به چندین قول اشاره کرده است.^۲ شش قول را در رسائل بیان کرده است. البته آن بحث درباره مطلق ظن است، منتها از آنجا که خبر واحد هم مفید ظن است، این مسئله ارتباط پیدا می‌کند با بحث ما که ظن حاصل از خبر واحد در اصول دین اعتبار دارد یا ندارد.

قول دوم: عدم حجیت مطلقاً

قول دوم این است که در امور اعتقادی به طور کلی خبر واحد حجت نیست. شیخ طوسی^۳، ابن ادریس^۴، و برخی دیگر از بزرگان از متاخرین مثل محقق نائینی به این قول معتقدند.

عمده سخن اینها این است که در اصول اعتقادی علم و یقین لازم است و ظن در اصول اعتقادی کفایت نمی‌کند. همان که معروف است که باید انسان با علم و استدلال به مبدأ و معاد و نبوت اعتقاد پیدا کند. اینها اموری نیستند که با تقلید بتوان آنها را به سرانجام رساند و ظن در این امور کفایت نمی‌کند. عمده استدلال اینها بر این پایه است که ما در امور اعتقادی باید باور قلبی و علم و یقین پیدا کنیم.

قول سوم: تفصیل

برخی می‌گویند در اصل نبوت، معاد و توحید ما نمی‌توانیم به ظن حاصل از خبر واحد اکتفا کنیم؛ یعنی خبر واحد در این امور اعتبار ندارد. اما در مورد جزئیات اینها، خبر واحد حجت است.

پس اجمالاً سه قول در مسئله وجود دارد: حجیت مطلقاً، عدم حجیت مطلقاً، و تفصیل بین اصول اعتقادی و کلیات اینها و جزئیات امور اعتقادی.

^۱ شیخ حر عاملی، الفوائد الطوسیه، صفحه ۳۵۰؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۱، صفحه ۱۹۹.

^۲ رسائل، جلد ۱، صفحه ۲۷۲.

^۳ عدة الأصول، صفحه ۵۳.

^۴ السرائر، جلد ۶، صفحه ۱۴۲۰.

این اقوال همانطور که اشاره کردم، محور استدلالشان معلوم است. چون آنها که قائل به حجیت هستند مطلقاً، می‌گویند ما در اصول و جزئیات آنها نیازمند یقین و باور قلبی هستیم و این لازم نیست از راه استدلال عقلی باشد مهم این است که ما این یقین را پیدا کنیم و این باور قلبی برای ما حاصل شود. باور قلبی هم ممکن است از راه اخبار آحاد به دست بیاید. اخبار آحاد یعنی اخباری که ثقات آنها را نقل کنند، اینها برای ما یقین ایجاد می‌کنند، و همین کافی است. البته برخی اخباریون به طور کلی حتی در این امور به جز خبر واحد بر چیز دیگری اعتماد نمی‌کنند. چون ظواهر قرآن را که حجت نمی‌دانند، برای عقل هم که راهی نمی‌بینند. البته ما در بحث‌های اصولی خودمان هم گفتیم این را نمی‌توان به همه اخباریون نسبت داد. برخی از اخباریون نظرشان غیر از آن چیزی است که به آنها نسبت می‌داده می‌شود.

محمد امین استرآبادی که رأس فرقه اخباریه است یا از مهم‌ترین ارکان آنها به شمار می‌رود، می‌گوید اخباریون در اصول و فروع به هیچ چیز تکیه نمی‌کنند مگر اخبار منقول از ائمه (علیهم السلام) که به حد تواتر رسیده باشد یا خبر واحد محفوف به قرینه که موجب علم به صدور آن روایت از معصوم بشود، و خبر واحد بدون قرینه از نظر ما تنها موجب احتیاط است؛ والا ما نمی‌توانیم بر اساس آنها قضاوت کنیم یا فتوا بدهیم.^۱ این متفاوت است با آنچه که به آنها نسبت داده شده است.

ادله عدم حجیت

دلیل اول

ما در امور اعتقادی نیازمند علم و قطع هستیم، و خبر واحد به جز ظن برای ما دست آورد دیگری ندارد. چون اصلاً موضوع بحث ما هم خبر واحد غیر محفوف به قرینه قطعی است. خبر متواتر که از دایره بحث خارج است. خبر واحدی که محفوف به قرائن قطعی باشد هم از دایره بحث خارج است. بحث در اخبار آحادی است که قرینه قطعی همراهشان نیست و اینها مطلقاً علم و یقین برای ما ایجاد نمی‌کند، و از آنجا که در امور اعتقادی ظن اعتبار ندارد، و حتماً باید تحصیل علم شود. لذا ما نمی‌توانیم به اخبار آحاد ترتیب اثر بدهیم.

البته اینها منظورشان این نیست که به طور کلی اخبار را کنار بزنند. بلکه می‌گویند نمی‌تواند تنها مستند ما این باشد، و الا این اخبار به عنوان مؤید می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. یعنی باور بر یک پایه علمی و قطعی شکل بگیرد، منتها با این اخبار هم تأیید شود، این مانعی ندارد. چه بسا آنها هم که به طور کلی می‌گویند اخبار آحاد فقط در احکام شرعی و موضوعات دارای اثر شرعی، حجیت دارد، ریشه حرفشان همین است.

اصل این دلیل از شیخ مفید است. ایشان این را درباره امور اعتقادی گفته است؛ لکن دیگران این را در روایات تفسیری، تاریخی و بعضی از موارد دیگر تعمیم داده‌اند. پس اصل این بیان از شیخ مفید است، آن هم در مورد امور اعتقادی.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ الفوائد المدنیة، صفحه ۶۳.